

متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیز: در پاسخ سوال ۳۱۹۳۵ مطالبی رو عنوان کردین، هنوز اون اشکال از ذهن من برطرف نشد - جزوه شما و مطالب پرسش و پاسخ های قبلی در مورد رجعت رو خونده بودم، بعضی مواقع بسیاری از بزرگان مطالبی رو از راه غیر استدلال متوجه می شوند و درک می کنند و برای انتقال اون دلیل می تراشند، که ممکنه دلیل برای ما منطقی نباشه ولی با عظمت شخصیت اون شخص موضوع رو می پذیریم، گاهی هم دلیل ها رساست ولی ایراد عدم درک صحیح از طرف ماست. به هر حال تو این موضوع من دقیق متوجه نشدم چرا حتما رجعت باید مادی و فیزیکی باشد، دو تا ابهام برای این مسئله داشتم اول اینکه رجعت مومنین نظام طبیعی عالم رو به هم می ریزه، در همین نزدیکی ها ظهور واقع بشود برای مثال فرض بفرمایید سردار بزرگ اسلام شهید قاسم سلیمانی به دنیا رجوع فرمایند، امام خمینی رجوع فرمایند، نظام دنیا کلا به هم می خوره، خدا اگر می خواست با معجزه های در این سطح مردم ایمان بیارن که ... به راحتی این امر میسر بود مورد دوم هم که مقداری ذهنم رو مشغول کرده، خب چه ایرادی داره با بازگشت روح تکامل افراد رخ بده چیزی شبیه همون مطالب که در شرح فصوص بیان کرده اید من مطلب رو از کتاب شما نقل می کنم: " در مورد راز قتل کودکان، شیخ اکبر معتقد است تا این ابناء به قتل نمی رسیدند حضرت موسی پدید نمی آمد. لذا ارواح مقتولین دست به دست هم دادند تا روح حضرت موسی از طریق والدین متکون شد و مقدمات تقدیر الهی چنین باید می بود که علاوه بر والدین حضرت، امداد ارواح ابناء به قتل رسیده هم باید در میان می آمد. اما حکمت قتل ابناء به دست فرعون برای آن بود که حیات و روحانیت همه ی مقتولین که به خاطر موسی کشته شدند، به سمت حضرت موسی جهت امداد، عود و برگشت نماید. زیرا هر طفلی به امید این که موسی است به قتل رسید و آن قتل ها این جا از سر جهل نبود. - بلکه به یک معنا هر کدام موسایی بودند - پس ناچار باید حیات و روح مقتول، به موسی برگشت کند. حیات مقتولی که به جهت موسی به قتل رسید و آن حیات مقتول به جهت موسی، حیاتی طاهر بر اساس فطرت است که أغراض نفسانی آن را آلوده نکرده است. بلکه، بر فطرت «بلی» است. و موسی مجموع حیات کسانی بود که به عنوان موسی بودن کشته شدند و همه ی آن چه به عنوان استعداد و توانایی برای مقتول مهیا بود در حضرت موسی جمع شده است، مثل شجاعت و تدبیر و غیره. اول چیزی که در مکاشفه ی حضرت محمدیه که از این باب یعنی باب فصّ موسوی به طور شفاهی مخاطب شدم اتحاد ارواح ابناء به قتل رسیده و عود آن ارواح در ماده ی موسویّه بوده است. پس موسی متولد نشد مگر این که او مجموع ارواح کثیره و قوای فعّاله بود. به همان معنایی که عقل کلی همه ی عقول جزئی

را به صورت جامع در خود دارد، مثل مدد به مؤمنین توسط فرشتگان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌آید بحث «رجعت» را در آمادگی شرایطی دانست برای بالفعل شدن روح‌هایی که به کمال خود نرسیده‌اند. حال با توجه به این امر چرا می‌فرمایید با این رجعت نظام عالم به هم می‌خورد؟ از طرفی شرایط حضرت موسی «علیه‌السلام» هنوز شرایط بلوغ عالم که با حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» به ظهور می‌آید، نمی‌باشد بلکه مقدمه ظهور آن بلوغ است ولی شرایط حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» شرایطی است تا همه ابعاد انسانی اعم از ابعاد غضبیه و شهویه از یک طرف، و ابعاد الهی از طرف دیگر به ظهور آیند. و در همین رابطه حتی بحث رجعت همه انبیاء و امامان در میان است. این‌جا است که می‌توان گفت خود آن‌ها باید به میان آیند تا فعلیت خود را در خود احساس کنند. می‌ماند که آیا می‌شود آن‌ها فعلیت خود را در شخصیت حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» دریابند؟ والله اعلم. ظاهراً در این حالت شاید برای بعضی از آن‌ها اجمال‌شان به تفصیل در نیاید و اصرار بر رجعت حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» گویا از این جنس است. موفق باشید